

گونه‌شناسی پیامدهای بخل در سبک زندگی اسلامی

سید یحیی کاظمی*

امیرقلی جعفری**

چکیده

الگوی زندگی مؤمنانه در همه ابعاد سبک زندگی (نگرش، انگیزش، منش) تأثیرگذار است. در نظام اخلاق اسلامی، پیوند ناگسستنی میان رفتارهای دینی و صفات نفسانی (فضایل و رذایل) برقرار است. برخی از این صفات، تأثیرات مهمی بر انسان و ظهورات بیرونی وی دارد. بخل به‌عنوان یکی از این رذایل اخلاقی، نگرش، انگیزش و رفتارهای فرد مبتلی را تغییر می‌دهد. این مسئله موجب تغییر سبک زندگی وی و فاصله گرفتن از شاخص‌های سبک زندگی مؤمنانه می‌شود. در این مقاله برآنیم تا به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با رویکرد سبک زندگی پیامدهای بخل را در سه سطح نگرش - شناخت، انگیزش - احساس، منش - رفتار بررسی کنیم. سؤال اصلی این پژوهش این است که پیامدهای بخل در سبک زندگی دینی چیست؟ نگرش بدبینانه به خدا و آینده، جهل، احساسات ناسالم، اختلال در ارتباطات اجتماعی، تسهیل‌کننده رفتار ناصحیح، برخی از پیامدهای بخل در سبک زندگی فرد است.

واژگان کلیدی

سبک زندگی مؤمنانه، نگرش، انگیزش، منش، بخل، پیامد، اخلاق اسلامی.

طرح مسئله

روش زندگی مؤمنانه در معرض خطرات و آسیب‌های درونی جدی‌ای قرار دارد. یکی از این آسیب‌ها که

yahya.kazemi@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۸

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۵

استعداد مختل کردن حوزه‌های شناختی، گرایش و منشی سبک زندگی مؤمنانه را داراست، رذیلت اخلاقی بخل است. بخل به معنای امساک کردن در جایی است که بذل واجب است. مسئله بخشش در نظام‌واره حیات دینی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا علاوه بر اینکه مناسبات اجتماعی و رفتارهای میان‌فردی را تقویت می‌کند، باعث رشد و تعالی درونی فرد نیز می‌شود؛ اما بخل به‌عنوان یک رذیلت اخلاقی جلوی عاملیت رشد و تعالی انسان را گرفته و رفتارهای میان‌فردی را نیز از هم گسسته و آغشته به سوءظن و بدگمانی می‌کند. پرداختن به تأثیراتی که رذیلت بخل بر ابعاد سبک زندگی مؤمنانه می‌گذارد از این‌رو ضروری است که شناخت این پیامدها می‌تواند انگیزه تقویت حس دیگر دوستی و جود و بخشش به‌عنوان فضیلت مقابل آن باشد. بر این اساس، سوال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: پیامدهای بخل بر ابعاد سه‌گانه سبک زندگی مؤمنانه (شناخت، گرایش و رفتار) کدام است؟ برای پاسخ به این پرسش پس از تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و رجوع به روایات ناظر به بخل، پیامدهای بخل را گونه‌شناسی کرده و ذیل سه بعد سبک زندگی تبیین کرده‌ایم.

مفهوم‌شناسی

قبل از بررسی پیامدهای مسئله اخلاقی بخل در حوزه‌های شناختی، گرایش و منشی سبک زندگی مؤمنانه، مفاهیم اصلی این پژوهش را بررسی می‌کنیم.

سبک زندگی

در جامعه‌شناسی سبک زندگی به‌عنوان یک مفهوم جدید جایگزین مفاهیمی همچون طبقه اجتماعی است؛ چه در جامعه‌شناسی و چه در روان‌شناسی تعاریف بسیاری از سبک زندگی شده است. اما آنچه در اینجا مورد توجه ماست تحلیلی از سبک زندگی است که بدین ترتیب آنها را برمی‌شمریم:

۱. سبک زندگی، اموری را شامل می‌شود که به زندگی انسان اعم از بعد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می‌شود: اموری نظیر بینش‌ها (ادراک‌ها و معتقدات) و گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات) که اموری ذهنی با رفتار درونی هستند و رفتارهای بیرونی (اعم از اعمال هشیارانه و غیرهشیارانه، حالات و وضعیت جسمی)، وضع‌ها (موقعیت‌های) اجتماعی و دارایی‌ها که اموری عینی می‌باشند.

۲. سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارها و دارایی‌ها یا الگوی منتزع از آن است که بستگی به محل کاربرد آن دارد.

۳. سبک زندگی، به‌عنوان یک الگوی هم‌گرا به معنی وحدت و کثرت توأمان است. از یک‌سو،

سبک زندگی مانند هر سبک دیگر، حاصل وجود وجه اشتراک میان مجموعه‌ای از پدیده‌ها (کثرت‌ها) است که وحدتی در میان آنها ایجاد می‌کند و از سوی دیگر همین وجه اشتراک و وحدت این مجموعه از پدیده‌ها را از سایر پدیده‌ها (که این وجه اشتراک را ندارند) متمایز می‌سازد و کثرت را پدید می‌آورد. به عبارتی سبک زندگی، نوعی هویت است. سبک زندگی مرزهای یک هویت را تجسم می‌بخشد. این ویژگی‌ها، سبک زندگی را با اصطلاح‌های «پاره فرهنگ» و «روش یا شیوه زندگی» یکسان معرفی کرده و با اصطلاحاتی مانند شیوه قومی و انواع الگوهای هنجاری (آداب، رسوم، سنت‌ها، اخلاق، قوانین و مقررات اجتماعی) تا حد زیادی منطبق می‌سازد.

۴. سبک زندگی مقوله‌ای فردی و جمعی است؛ به بیان دیگر هم می‌توان آن را در سطح فردی یافت و مطالعه کرد و هم در سطوح اجتماعی.

۵. مهم‌ترین ویژگی سبک زندگی عبارت است از: شکل‌گیری آن، حول محور گرایش‌ها (تمایلات، ترجیح‌ها) یا آنچه ذوق و سلیقه خواننده شده. به عبارت دیگر، اگر در سبک زندگی الگو یا مجموعه‌ای که در آن ترجیح و تمایلی مطرح نباشد، بحث از سبک زندگی معنا ندارد.

البته با پذیرش سلیقه‌ای بودن سبک زندگی، «انتخابی» بودن آن را پذیرفته‌ایم. بلی، اگر کلیه گرایش‌ها و ترجیح‌های فرد را در یک راستا و در تحقق یک هدف بدانیم آن‌چنان‌که پاره‌ای از اندیشمندان مانند زیمل و آدلر قائل بوده‌اند، این وحدت در سبک زندگی حاصل می‌شود و به عبارتی، سبک زندگی، راه دستیابی فرد به هدف غایی خود تلقی می‌شود. اما دیدگاه غالب، چنین نیست و حداکثر به چنین وحدتی، به‌منزله یکی از آرمان‌های فرد می‌نگرد. در بیشتر موارد، اعتقاد بر این است که تمایلات و ترجیح‌های انسان از نگرش و نیازهای مختلف و غیرمنسجمی ناشی می‌شود. پس این سؤال همچنان پابرجاست که با پذیرش مبنای سلیقه، چه چیزی وحدت را در یک سبک زندگی پدید می‌آورد؟ جواب این است که هر سبک زندگی، بر مبنای یک تمایل و ترجیح یا یک مجموعه هم‌گرا از ترجیح‌ها و تمایلات شکل می‌گیرد. (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷: ۲۲۶ - ۲۲۳) با تکیه بر آنچه گفته شد سبک زندگی عبارت است از: الگوی هم‌گرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌هایش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. (همان: ۲۲۷)

بخل

بخل که به صورت‌های گوناگونی (بُخُل، بُخُل، بُخُول، بَخُل و بَخَل) قرائت شده (جوهری، ۱۹۹۰: ۴ / ۱۶۳۲:

ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱ / ۳۳۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۲۷۷)، «بخل»، در لغت به معنای منع (ابوالبقاء، ۱۴۱۳: ۲۴۲؛ جرجانی، ۱۴۱۱: ۶۲) و ضِدَّ كَرَمَ (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱ / ۳۳۲) و جود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۰۹؛ طریحی، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۶۰) است. نزد عربها، پرداخت نکردن زیادی مال خود به سائل، بخل نامیده می‌شود (الفیومی، ۱۴۱۴: ۱ / ۳۶)؛ مشتقات بخل در قرآن کریم ۱۲ بار به کار رفته است؛ ولی در آیات دیگری نیز واژه‌ها و تعبیراتی مانند: شُحَّ (حشر / ۹)، امساک (اسراء / ۱۰۰)، قَتْرُ (اسراء / ۱۰۰)، ضَنْ (تکویر / ۲۴)، هُلْعُ (معارج / ۱۹)، بسته بودن دست به گردن (اسراء / ۲۹) و منع خیر (ق / ۲۵) به کار رفته که به موضوع بخل اشاره داشته یا با آن در ارتباط است. در روایات نیز از بخل نکوهش شدیدی شده است. (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸: ۴ / ۴۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰ / ۲۹۹) اخلاق پژوهان مشهور اسلامی با انتقاد از تعاریف دیگران ذیل واژه بخل و جامع و مانع ندانستن آنها، خود در تعریف بخل و توضیح رابطه آن با مفاهیم پیرامونش گفته‌اند:

بخل عبارت است از امساک کردن در جایی که بذل واجب است، چنان که بذل کردن در جایی که امساک واجب است، تبذیر و اسراف به‌شمار می‌آید و بین این دو، صفت پسندیده جود و سخا قرار دارد. (غزالی، ۱۳۹۳: ۳ / ۲۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۶: ۶ / ۸۳ - ۸۲؛ نراقی، ۱۹۶۳: ۲ / ۱۱۰)

بنابراین بخل ضد جود و کرم نیست، بلکه ضد اسراف است که هر دو (بخل و اسراف) از اخلاق رذیله و رعایت حد اعتدال یعنی جود پسندیده است (غزالی، ۱۳۹۳: ۳ / ۲۵۹؛ نراقی، ۱۹۶۳: ۲ / ۱۱۰). چنان که خداوند به رسول اکرم ﷺ فرمان می‌دهد که نه دست خود را به گردن خویش بیاویزد که آن را هیچ‌گاه برای کمک به دیگران نگشاید و نه آن را کاملاً بگشاید که هرچه دارد انفاق کند.^۱

بر این اساس بخل مراتب متعددی دارد که برخی از آن حرام و برخی دیگر گرچه حرام نیست ولی ناپسند است، چنان که برخی ترک ایثار در هنگام نیاز را بخل دانسته‌اند. (جرجانی، ۱۴۱۱: ۶۲) در آیاتی از قرآن که بخیلان به شدت نکوهش شده و به آتش دوزخ وعده داده شده‌اند، مقصود بخل حرام است: «و کسانی که [نسبت] به آنچه خدا از بخشش خود به آنان داده بخل می‌ورزند، هرگز نپندارند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه آن برایشان بد است؛ به زودی در روز رستاخیز، آنچه به آن بخل ورزیده‌اند، طوق گردنشان خواهد شد؛ و میراث آسمان‌ها و زمین، فقط از آن خداست؛ و خدا از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»^۲

۱. وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ. (اسراء / ۲۹)

۲. وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ....

(آل عمران / ۱۸۰ و نیز نساء / ۳۷) در نگاهی دیگر به گستره بخل در قرآن به متعلق‌های گوناگونی به جز مال و ثروت برمی‌خوریم، گرچه بسیاری از کسانی که در موضوع بخل سخن رانده‌اند متعلق آن را مال دانسته‌اند. می‌توان گفت به‌طور کلی آنچه از مصادیق فضل الهی (آل عمران / ۱۸۰) باشد مانند مال، علم و جاه بخل به آن تعلق می‌گیرد. (محمد رشید، بی‌تا: ۴ / ۲۵۸)

گونه‌شناسی پیامدهای بخل

براساس تعریف سبک زندگی، سه حوزه بینشی، گرایشی و رفتاری در تغییر و اصلاح سبک زندگی مؤثر است. از این‌رو سعی می‌کنیم پیامدهای سبکی بخل‌ورزی را در این ساحت بررسی می‌کنیم.

یک. حوزه شناخت و بینش

۱. نگرش بدبینانه به خدا

در حوزه فکر و اندیشه بخیل دچار بیماری و اختلال فکری و نگرشی است. براساس روایات اهل بیت معصوم علیهم‌السلام اولین مشکل بخیل سوءظن به خداست، او بر این باور نیست که همه هستی به دست خداست. او بر این اعتقاد نیست که خداوند قادر بر هر چیزی است. او مؤمن به این حقیقت نیست که خداوند اداره‌کننده او و تمام هستی است. قهراً چنین فردی از انفاق مال و در موارد لازم از دادن جان بخل می‌کند. در روایت آمده است که «ان البخل و الجبن و الحرص غرائز شتی یجمعها سوء الظن بالله» (نهج‌البلاغه: ۴۳۰) در فرمان امام به مالک اشتر آمده است آنجا که امام علیه‌السلام مالک اشتر را از مشورت با بخیلان و افراد ترسو و حریصان برحذر می‌دارد، سپس می‌افزاید:

إِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ.

بخل و ترس و حرص، غرایز مختلفی هستند که یک ریشه دارند و آن سوءظن به خداست!

۲. نگرش بدبینانه به آینده

قهراً افراد بخیل، آینده را نگران‌کننده ادراک می‌کنند و همواره برداشت‌های بدبینانه‌ای نسبت به آینده دارند. به عبارتی به علت ترس از آینده، زمان حال را همواره با اضطراب و نگرانی تجربه می‌کنند و روی آرامش را نمی‌بینند. از طرفی ذهن منفی‌نگر افراد بخیل، به جای آنکه رویدادهای منفی را موقت و رویدادهای مثبت را دائمی ببیند، برعکس رویدادهای منفی را دائمی و رویدادهای مثبت را زودگذر می‌بیند و این بر بیم آنها از آینده می‌افزاید. کاهش خوش‌بینی فقط تنها به بیم و نگرانی از آینده منتهی نمی‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد خوش‌بینی بر روی سیستم ایمنی بدن اثر می‌گذارد. افرادی که سیستم ایمنی بدنشان، تقویت شده

است دیرتر بیمار می‌شوند و در صورت بیماری زودتر بهبود پیدا می‌کنند. افراد بخیل به دلیل بدبینی ممکن است بر روی جسم خود نیز تأثیر منفی گذاشته و سیستم ایمنی بدنشان ضعیف عمل کند و خود را در مرگ تدریجی قرار دهند. از آنجایی که که روایات تصریح کرده‌اند که بخیل به خداوند سوءظن دارد، پس بخیل در حوزه شادمانی نه مثبت‌اندیش است و نه خوش‌بین. افراد خوش‌بین آینده‌ای که نیامده است را منفی تلقی نمی‌کنند. اما افراد بخیل بیم از آینده دارند و آینده را وحشتناک و ناامن ادراک می‌کنند. درواقع یکی از ویژگی‌های افراد بخیل نگران آینده بودن است. این مسئله باعث می‌شود این افراد یکی دیگر از مؤلفه‌های ایجاد شادمانی را از دست بدهند. (یعنی زندگی در زمان حال). برخی روان‌شناسان معتقدند که خوشبختی عبارت است از تعداد لحظاتی که فرد در زمان حال زندگی می‌کند و از زمان حال لذت می‌برد. پس چون بخیل نگران آینده است پس در زمان حال زندگی نمی‌کند و در حال جمع‌آوری مال جهت آینده است و زندگی در زمان فعلی را از دست می‌دهد و به تبع آن احساس خوشبختی را از دست می‌دهد.

۳. جهل

در متون دینی گاهی جهل به‌عنوان مشکل روانی و اندیشه‌ای بخیل معرفی شده است. در سوره مبارکه آل‌عمران آیه ۱۸۰ چنین می‌خوانیم:

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

و کسانی که [نسبت] به آنچه خدا از بخشش خود به آنان داده بخل می‌ورزند، هرگز نپندارند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه آن برایشان بد است؛ به زودی در روز رستاخیز، آنچه به آن بخل ورزیده‌اند، طوق گردنشان خواهد شد؛ و میراث آسمان‌ها و زمین، فقط از آن خداست؛ و خدا از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

براساس این آیه کریمه، بخیل فکر می‌کند که انفاق نکردن به سود اوست درحالی که قطعاً به ضرر اوست و او دچار محاسبه غلط شده است و گرنه این‌گونه فکر نمی‌کرد. امام علی علیه السلام نیز به این حقیقت اشاره کرده می‌فرماید: «الحرص والشرة والبخل نتيجة الجهل» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۲) در جای دیگر فرمود: «ما عقل من بخل بإحسانه؛ خردمند نیست کسی که از نیکی کردن بخل می‌ورزد». (همان) امام کاظم علیه السلام نیز می‌فرماید:

لا تحدثوا انفسكم بفقر ولا بطول عمر فانه من حدث نفسه بالفقر بخل و من حدثها بطول العمر حرص. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸ / ۳۴۶)

گرفتار آمدن به فقر و یا داشتن عمر طولانی را به خود تلقین نکنید زیرا کسی که به خود فقر را تلقین کند بخیل می‌شود و کسی که به خود طول عمر را تلقین کند دچار حرص می‌شود.

افراد بخیل و دارای خساست به دلیل غوطه‌ور شدن در جهل و نادانی به جای آنکه برای مردم آرزوی توانگری کنند همواره در این فکرند که آنها چگونه دچار فقر و تنگ‌دستی شوند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

ان احق الناس بان يتمني للناس الغني البخلاء لان الناس اذا استغنوا كفوا عن اموالهم ...
فاصبح اهل البخل يتمنون فقر الناس. (مجلسی، ۱۴۰۰: ۷۰ / ۳۰۱)

او به جهت کوتاه‌فکری همواره بر این باور است که بخشیده شده از بین رفته است و هیچ‌گونه اثر و سودی برای او نخواهد داشت و تنها آنچه را که ذخیره کرده است ماندگار و برای او فضیلت و شرف است، چنان که در روایت آمده است «البخل ان يري الرجل ما انفقته تلفا و ما امكسه شرفا». (شهید اول، ۱۳۷۹: ۲۱) شبیه به همین مطلب از امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «من ايقن بالخلف جاد بالعطية». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۲۸۸) کسی که به جایگزین شدن انفاق و بخشش از طرف خداوند یقین داشته باشد نیکو بخشش می‌کند.

قهرماً انسانی که چنین طرز و نگرشی دارد همواره نگران و دچار اختلال روانی است در نتیجه نمی‌تواند زندگی سالمی که مد نظر اسلام است را داشته باشد. این نوع زندگی تنگ‌نظرانه، با روح اسلام که همواره انسان‌ها را به هم‌گرایی با هم‌نوع دعوت می‌کند سازگاری ندارد؛ اسلامی که همیشه سخن از بذل و بخشش به میان آورده و انسان را به آن دعوت می‌کند و از باذلین و بخشندگان تمجید و تعریف می‌کند. امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «انکم اغبط بما بذلتم من الراغب اليکم فيما وصله منکم؛ شما از چیزی که بخشیده‌اید سود بیشتری می‌بردید تا کسی که آن را به دست آورده است». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۷۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به باذلین این امید و خوش‌بینی را وعده می‌دهد که هرگز مال اعطایی شما به دست فراموشی سپرده نخواهد شد. بنابراین نترسید و نگران ضرر آینده نباشید: «ما نقص مال من صدقة قط فامضوا ولا تجنبوا». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳ / ۱۳۱)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام در پاسخ به کسی که منکر جایگزینی انفاق بود فرمود:

افتری الله اخلف وعده {قال: قلت: لا، قال فممر؟ قلت: لا ادري، قال: لوان احدکم اکتسب المال من حله و انفقہ في حله لم ينفق درهما الا اخلف عليه. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۷ / ۸۲)
 آیا خیال می کنی که خداوند خلف وعده می کند؟ (آن مرد گوید) عرض کردم: نه، فرمود: پس علت چیست؟ (گوید) گفتم: نمی دانم. حضرت فرمود: اگر فردی از شما مال حلال به دست آورد و به حق انفاق کند درهمی انفاق نکند، مگر آنکه خداوند عوض آن را بدهد.

پس بخیل، مشکل ادراکی و معرفتی دارد و این مشکل یا به خاطر سوءظن به خدا و یا به دلیل جهل و عدم آگاهی است.

دو. حوزه گرایش و انگیزش

۱. محل ورود القائنات شیطانی

بخیل همواره دلش محل ورود و القائنات شیطانی است که او را از فقر می ترساند و او را در نگرانی و اضطراب قرار می دهد، چنان که این آیه شریفه، به همین مطلب اشاره دارد: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ». (بقره / ۲۶۸)
 همچنین امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل می کند که: «لَمَتَّانَ لَمَةً مِنَ الشَّيْطَانِ وَلَمَةً مِنَ الْمَلِكِ فَلَمَّةُ الْمَلِكِ الرِّقَّةُ وَالْفَهْمُ وَلَمَّةُ الشَّيْطَانِ السَّهْوُ وَالْقَسْوَةُ». دو گونه القا وجود دارد: القای شیطانی و القای ملکی؛ القای ملکی موجب نرمی قلب و فزونی فهم و القای شیطانی موجب سهو و قساوت قلب است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۴۴)

۲. احساسات ناسالم

طبق آیات قرآن کریم انسان بخیل از احساس سالمی برخوردار نیست. او علاوه بر مشکلات یاد شده در حوزه احساس، مبتلا به حقد و کینه توزی نیز است او نسبت به دیگران احساس دشمنی و کینه توزی دارد. خداوند در سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله آیه ۳۷ می فرماید:

إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَ يُخْرِجْ أَضْعَانَكُمْ.

اگر از شما آن [اموال] را بخواهد و به شما اصرار کند، بخل می ورزید؛ و کینه هایتان را [آشکارا] بیرون می آورد.

۳. اختلال روانی

بخیل همچنان که در حوزه فکر و اندیشه دچار اختلال بهداشت روانی است در حوزه احساس و درون نیز گرفتار این مشکل است. او همواره از فقر روحی، عدم آسایش و تنگدستی رنج می برد.

خداوند سبحان در قرآن کریم، سوره مبارکه محمد آیات ۳۶ تا ۳۸ به فقر روحی آنان اشاره کرده و این نکته را متذکر شده است که بخیل فکر نکند که با عدم بخشش به دیگران لطمه وارد می‌کند بلکه این خود اوست که با این کارش و این ویژگی‌اش به خود ضرر می‌زند «ومن يبخل فانما يبخل عن نفسه». امام علی علیه السلام نیز با بیان دیگر به این بیماری بخیل اشاره کرده می‌فرماید:

ایک والشح، فانه جلباب المسکنة وزمام یقاده الی کل دناءة. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۳)
از بخل بهره‌یز زیرا بخل ردای بینوایی و مهاری است که با آنان شخص به‌سوی هرگونه پستی‌ای کشانده می‌شود.

این‌گونه افراد دارای سینه‌ایی تنگ‌اند که تنگی دست‌شان از تنگی دلشان، نشئت گرفته است. چنانچه امام علی علیه السلام فرمود: «ضاق صدر من ضاقت یده». (مشکینی، ۱۴۲۴: ۸۲)

آنان کم‌آسایش‌ترین مردم‌اند چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اقل الناس راحةً البخیل». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۰ / ۳۰۰)

و همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید:

خلقت الخلاق فی قدرة فمنهم سخی و منهم بخیل فاما السخی ففی راحة و اما البخیل فشوم طویل. (همان: ۴۹ / ۱۱۱)

از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «خمسٌ هُنَّ کما أقول: لَیسَتْ لِیَبْخِیلِ رَاحَةً و...». (همان: ۶۹ / ۱۹۳)

سه. حوزه رفتار و منش

۱. اختلال در ارتباطات اجتماعی

یکی دیگر از مشکلات افراد بخیل، اختلال در حوزه رفتار و عمل است. انسان تکویناً موجودی اجتماعی است. به همین جهت در طول حیات خویش نیازمند هم‌نوعان خود است. نظریه‌پردازان هستی‌گرا معتقدند که اضطراب اساسی انسان‌ها از نداشتن و نبودن حمایت اجتماعی شکل می‌گیرد. (لیندورا، ۱۹۹۷، نقل از ریاحی و همکاران، ۱۳۸۷)

نتایج به دست آمده از تحقیقات پژوهشگران نشان می‌دهد که؛ حمایت‌های اجتماعی در همه حال به‌عنوان سپری در مقابل حوادث و رویدادهای فشارآور عمل می‌کند و شخص را در مقابل پیامدهای ناگوار مصون می‌کند. یافته‌های پژوهشی نشان داد که هرچه ذهنیت فرد در برخورداری از حمایت

دیگران بیشتر باشد. میزان پاسخ‌های موفقیت آمیزی که به فشارهای روانی و موقعیت‌های بگریز نشان می‌دهد بیشتر است. (پریوچی و همکاران، ۱۳۹۲)

افراد بخیل، محبوب نیستند و مردم تمایلی به ارتباط با آنها ندارند. افراد بخیل، به علت ترس کاذبی که از فقر دارند، درصددند ارتباطات خود را محدود نموده و کمتر به حضورنشر اجتماعی بپردازند. از همین روی این‌گونه افراد محبوب نیستند و مردم نیز تمایلی به ارتباط با آنها ندارند. در نتیجه بخل باعث کاهش ارتباطات و فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد بیماران سرطانی که ارتباطات اجتماعی داشته‌اند، کمتر دچار مرگ و میر شده‌اند و بهبودی قابل توجه پیدا کرده‌اند. همچنین در سرماخوردگی معمولی، افرادی که ارتباطات اجتماعی بیشتری داشتند، زودتر سلامتی خود را به دست آوردند. پس به نظر می‌رسد بخل از طریق کاهش روابط اجتماعی به کاهش سلامت منجر می‌شود. تأثیر صله رحم بر طول عمر که بارها در روایات اسلامی به آن پرداخته شده است موید این امر است. کاهش ارتباطات اجتماعی، همراه با کاهش شادمانی است، و کاهش شادی، رضایت از زندگی را کم می‌کند. بخیل به خاطر اینکه از نانش نخورند از نان دیگران نمی‌خورد، ولی شخص سخاوتمند از غذای دیگران می‌خورد تا از غذای او بخورند، قهراً شخص بخیل با این رفتارش ارتباطش را با دیگران قطع می‌کند حتی با نزدیکترین افرادی که رابطه سببی و نسبی دارد، و از این جهت هم زندگی‌اش دچار اختلال خواهد شد و هم سلامت خود را از دست خواهد داد. سخن امام رضا علیه السلام نیز به این حقیقت اشاره دارد:

السخي ياكل من طعام الناس لياكل الناس من طعامه و البخيل لا ياكل من طعام الناس لئلا ياكلوا من طعامه. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۵۴۶)

حضور بخیل در ابعاد زندگی کم‌رنگ است. او همواره با عذرتراشی و بهانه‌جویی از انجام خواسته دیگران خودداری می‌کند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «كثرة العلل آية البخل». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۲۰۹) این‌گونه افراد دچار تنهایی خواهند شد و زندگی فردی و اجتماعی آنان همراه با حوادث ناخوشایند می‌گردد و از نظر روحی و روانی، صدمات فراوانی می‌بینند.

۲. عامل اخلال در امور خیر

بخل، سد راه کارهای خیر می‌گردد. قرآن کریم در سوره مبارکه قلم آیه ۱۲ در تبیین ویژگی اخلاقی افراد بخیل می‌فرماید: «مَنَّاغٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ».

بخیل نه تنها خود مانع خیر و برکت برای دیگران است، همواره سعی در ممانعت خیر و برکت دیگران نیز دارد. با توجه به این خصلت بخیل است که امام علی علیه السلام به مالک دستور فرمود: «در مشورت خود انسان بخیل را دخالت مده که تو را از نیکی و بخشش باز داشته، از فقر و تنگدستی می‌ترساند.» (نهج البلاغه؛ نامه ۵۳، ص ۴۳۰)

۳. تسهیل‌کننده رفتار ناصحیح

بخل باعث می‌شود که بخیل مالش را در مسیر غیر خدا هزینه کند. آنچه که خدا از بندگانش می‌خواهد این است که آنان همواره در مسیر او حرکت کنند. به عبارتی مشی و روش آنان در تمام ابعاد زندگی کسب رضایت الهی باشد. ولی بخیل از انفاق مالش در راه خدا خودداری می‌کند و باید بداند که به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قطعاً در راهی که رضایت خدا در آن نیست اموالش را هزینه خواهد کرد: «وما من عبد یبخل بنفقة ینفقها فیما رضی الله الا ابتلی ان ینفق اضعافاً فیما سیخط الله». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۱۷۲) خداوند در قرآن کریم در این باره فرمود:

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ. (لیل / ۱۰ - ۸)

و اما کسی که بخل ورزد و توانگری نماید، و [وعده] نیک [پاداش رستاخیز] را تکذیب کند، پس به زودی [راه] دشوار را برای او فراهم می‌کنیم.

آری بخیلان به دلیل سلب توفیق الهی دچار مشکلات فراوان روحی - روانی، فردی و اجتماعی هستند.

از جمله پیامدهای بخل ورزیدن، قتل نفس است. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

یاکم والشح فانه دعا الذین من قبلکم حتی سفکوا دماءهم و دعاهم حتی قطعوا ارحامهم و دعاهم حتی انتهکوا و استحلوا محارهم. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹ / ۴۲)

طبق این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله، بخل باعث می‌شود که انسان خون دیگران را بریزد، با دیگران قطع رابطه کند و کار را به جایی بکشاند که حتی (صاحب بخل) حاضر می‌شود محارم خود را حلال دانسته و به زشت‌ترین اعمال روی آورد.

بخل آبروی انسان را از بین می‌برد. امام علی علیه السلام در این مورد چنین می‌فرماید: «البخیل یسمح من عرضه باکثر مما امسک من عرضه؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۲) بخیل آبروی خود را بیشتر از آنکه حفظ کند، از بین می‌برد.» همچنین در سخنی دیگر امام علیه السلام به این مطلب اشاره دارد که بخل،

انسان را به سمت هر بدی می‌کشاند. «ایاک و الشح فانه جلباب المسکنة و زمام یعاد الی کل دناءة». (تمیمی آمدی ۱۳۶۶: ۲۹۳)

بنابراین بخل مایه خواری است و افساری است که (بخیل) به وسیله آن به سوی هر بدی کشانده می‌شود.

۴. سلب اعتماد عمومی

روان‌شناسان مثبت‌گرا، عزت نفس را یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار انسان به‌شمار می‌آورند. در حقیقت برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند تعیین‌کننده چگونگی بر خورد آنها با مسائل مختلف است. (بلاسکوویچ و توماکا، ۲۰۰۷)

افرادی که عزت نفس بالایی دارند، از ویژگی‌هایی چون پختگی روانی، ثبات، واقع‌گرایی، آرامش، توانایی بالا در تحمل ناکامی‌ها برخوردارند. فردی که عزت نفس پایین دارد و برای خود ارزش و احترامی قائل نیست ممکن است دچار انزوا، گوشه‌گیری و یا پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی شود. (مکی و اسمیت، ۲۰۰۲)

انسان بخیل از طرف دیگران انسان کم‌ارزشی محسوب می‌شود و چون عزت نفس با احساس ارزشمندی ارتباط زیادی دارد آهسته آهسته، احساس بی‌ارزشی از جانب دیگران به فرد منتقل شده و فرد نیز احساس بی‌ارزشی نموده و عزت نفسش دچار خدشه می‌گردد. افراد دارای عزت نفس حقیقی، ارزشمندی خود را ذاتی می‌دانند و معتقدند هیچ چیز از میزان ارزشمندی آنها نمی‌کاهد. اما افراد بخیل ارزشمندی خود را مشروط آن هم مشروط به دارایی بیشتر می‌دانند و از این لحاظ احساس ارزشمندی ذاتی در آنها شکل نمی‌گیرد و دائم اعتماد به نفس و عزت نفس آنها در معرض خطر است.

در متون دینی نیز به این حقیقت اشاره شده است: امام علی علیه السلام فرمود: «من بخل بماله ذل».

(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸۶)

در کلام امام حسین علیه السلام نیز این حقیقت آشکار است که فرمود: «ایها الناس من جاد ساد و من بخل رذل؛ کسی که بخشش کرد آقایی کرد و کسی که بخل ورزید خوار گردید». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۱۲۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «و من بری من البخل نال الشرف؛ کسی که از بخل دوری کند بزرگی و

شرافت را به دست آورده است». (همان: ۲۲۹)

همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «البخل یذل مصاحبه و یعز مجانبه؛ بخل صاحب خود را خوار و

ذلیل می‌کند و کسی که از آن دوری می‌کند عزیز و ارجمند می‌دارد». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۵)

بخل باعث سلب لیاقت برای سرپرستی دیگران می‌شود. انسان بخیل توانایی‌های مهارتی و ارتباطی

را جهت مدیریت دیگران نداشته و از این‌روست که لیاقت سرپرستی دیگران را از دست می‌دهد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

وقد علمتم انه لا ينبغي ان يكون الوالي علي الفروج والدماء والمغانم والاحكام و امامه المسلمين البخيل فتكون في اموالهم نهمته. (نهج البلاغه، نامه ۱۳۱ ص ۱۸۹)

هرگز روا نیست که انسان بخیل بر ناموس، جان، مال احکام و قوانین و پیشوایی مسلمانان گمارده شود. زیرا بر اموال آنان حرص و ولع می‌کنند.

نتیجه

یکی از بیماری‌های روحی که نیاز به درمان و توجه بیشتری دارد و باید برای رهایی از آن تلاش‌هایی انجام گیرد تا فرد و جامعه به آرامش روحی و روانی برسد و بتواند مسیر کمال انسانی را پیماید، بخل است. بخل به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آفات درونی انسان تمام سطوح زندگی فردی و اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از یک منظر می‌توان گفت سبک زندگی انسان را مورد تأثیر قرار می‌دهد. همان‌طور که در مقاله بیان شد، بخل بر هر سه ساحت شناختی، گرایشی و رفتاری انسان تأثیرگذار است. در حوزه شناختی مولود نگرش بدبینانه به خداست و همین مسئله، نگرش بدبینانه به خدا را تشدید می‌کند؛ بخیل همان‌طور که بیان شده نسبت به آینده نیز بدبین است. در حوزه گرایشی نیز اولاً قلب انسان بخیل محل ورود القایات شیطانی است، ثانیاً فرد بخیل احساس خوبی نسبت به دیگران ندارد، از درون احساس کینه و خشم نسبت به دیگران دارد و همچنان‌که در حوزه فکر و اندیشه دچار اختلال بهداشت روانی است، در حوزه احساس و درون نیز گرفتار این مشکل است. او همواره از فقر روحی، عدم آسایش و تنگدستی رنج می‌برد. در حوزه رفتاری - منشی نیز، اختلال در روابط اجتماعی به دلیل روحیه انزوایی که برآمده از صفت بخل است و همچنین اختلال در امور خیر و سلب اعتماد عمومی به دلیل کاهش عزت‌نفس از پیامدهای آن است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن منظور، محمد، ۱۴۱۶ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابوالبقاء، ایوب بن موسی، ۱۴۱۳ ق، الکلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغوی، دمشق، مؤسسة الرسالة.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۹۲، غررالحکم و درر الکلم، قم، دار الحدیث.

- ۲۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق اسلامی، سال نهم، زمستان ۹۵، ش ۳۴
۶. جرجانی، علی بن محمد، ۱۴۱۱ ق، *التعريفات*، قاهره، دار الكتاب المصري، بیروت، دار الكتاب اللبناني.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۹۹۰، *الصحاح*، بیروت، دار العلم.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، دفتر نشر کتاب.
۱۰. زبیدی، محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۹.
۱۱. شهید اول، محمد بن مکی، ۱۳۷۹، *الدره الباهرة من الاصداف الطاهرة*، قم، زائر.
۱۲. طریحی، فریدالدین، ۱۳۷۸، *مجمع البحرين*، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی.
۱۳. غزالی، محمد بن محمد، ۱۳۹۳، *احیاء علوم الدین*، تهران، فردوس.
۱۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۲ ق، *القاموس المحيط*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۲۶ ق، *المحجة البيضاء*، قم، مؤسسه محبین.
۱۶. قیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، دار الهجرة.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، *کافی*، ج ۲ و ۴، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الابرار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۹. محمدرشید، رضا، بی تا، *تفسیر المنار*، مصر، بی تا.
۲۰. مهدوی کنی، سعید، ۱۳۸۷، *دین و سبک زندگی*، تهران، انتشارات امام صادق علیه السلام.
۲۱. نراقی، محمد مهدی، ۱۹۶۳، *جامع السعادات*، سید محمد کلاتر، بیروت، مؤسسه علمی للمطبوعات.
۲۲. نوری، حسین بن محمد تقی، بی تا، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، الاحیاء آل تراث.